



## سخن سردبیر

محسن نظری

دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mohsen.nazari@ut.ac.ir

### آموزش و ضدآموزش - پژوهش و ضدپژوهش

یکی از مباحثی که اخیراً به سؤال و دغدغه فکری بسیاری از افراد تبدیل شده، این است که چرا آموزش در ایران به اندازه کشورهای پیشرفته تأثیرگذار نیست و چرا پژوهش‌ها در کشور کاربردی نیستند؟ با اینکه در نظام دانشگاهی کشور، از به‌روزترین متون درسی دنیا استفاده می‌شود، تعداد واحدهای درسی دانشجویان بیشتر از دانشگاه‌های دنیاست و ساعات طولانی‌تری برای آموزش اختصاص داده شده است، اثرگذاری آن در کسب‌وکارها و سایر ارکان جامعه محسوس نیست.

همین بحث در خصوص پژوهش و پژوهشگران کشور هم صادق است. پژوهشگران از بهترین روش‌های پژوهشی بهره می‌گیرند و داده‌ها را با بهترین نرم‌افزارها تحلیل می‌کنند، اما پژوهشگران از استفاده‌نکردن نتایج پژوهش‌ها توسط مدیران اجرایی گله می‌کنند و مدیران اجرایی پژوهش‌ها را کاربردی نمی‌دانند. خروجی کار پژوهش‌های کشور، طرح‌های پژوهشی خاک‌خورده در اتاق مدیران و قفسه‌های طویل پایان‌نامه‌ها در کتابخانه‌های دانشگاه‌های کشور و تعداد زیادی مقاله در مجله‌های داخلی و خارجی است که کارکرد مهم آنها، استفاده برای تحقیقات بعدی است.

تجربه سال‌ها آموزش و پژوهش و مشاهده نظام‌های آموزشی ایران، اروپا و کانادا و دغدغه فکری مسائل جامعه و نظام دانشگاهی، برای نگارنده این متن روشن ساخته است که در جامعه ما در کنار آموزش، ضدآموزش‌هایی نیز وجود دارد که آثار آموزش را کم‌رنگ و خنثی می‌کند. همین‌طور در کنار پژوهش، ضدپژوهش‌هایی داریم که اثر پژوهش‌های کشور را کم‌رنگ می‌کند و بر کیفیت آموزش و پژوهش‌های کشور تأثیر می‌گذارد. به بیان دیگر، خروجی آموزش و پژوهش اثرگذاری لازم را ندارد.

آموزش و پژوهش اکوسیستمی است که بازیگران و ذی‌نفعان زیادی در آن نقش دارند و دانشجویان و پژوهشگران در آن تجربه سفر آموزشی و پژوهشی کسب می‌کنند و در این سفر کلاس و استاد دو نقطه از نقاط تماس این سفر هستند. هر گونه کارکرد منفی سایر ذی‌نفعان و سایر نقاط تماس می‌تواند کارکردهای مثبت آموزش و پژوهش را خنثی کند و به ضدآموزش و ضدپژوهش تبدیل شود.

استناد: نظری، محسن (۱۳۹۸). سخن سردبیر: آموزش و ضدآموزش - پژوهش و ضدپژوهش. مدیریت بازرگانی، ۱۱(۳)، ۴۵۷-۴۵۸.

دانشگاه فقط کلاس درس نیست و دانشجویان تنها از کتاب و استاد آموزش نمی‌بینند. بسیاری از آموزش‌ها و یادگیری‌ها مشاهده‌ای و یادگیری‌های غیر رسمی هستند که در صورت منفی بودن، ضدآموزش تلقی می‌شوند. نظم آموزشی استاد، رفتار کارمندان، فرایندهای اجرایی دانشکده و حتی دیوارهای محیط دانشگاه‌ها، می‌توانند نقش آموزش و پژوهش یا ضدآموزش و ضدپژوهش داشته باشند.

در پژوهش، ضد پژوهش‌ها نقش مؤثری دارند، پژوهشگری که تجربه پژوهش خود را فقط در قفسه اداره‌ها می‌بیند؛ بودجه پژوهشی که بخش عمده آن به ارائه بیان کار مدیران دولتی اختصاص می‌یابد؛ تحقیقاتی که کپی شده‌اند؛ رانت‌هایی که در تخصیص بودجه‌های تحقیقاتی وجود دارد؛ مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در کنار خیابان خرید و فروش می‌شوند و... به‌مثابه ضدپژوهش‌هایی عمل می‌کنند که موجب می‌شوند، پژوهشگر به‌دلیل عدم ارزیابی نتایج تحقیقش در عمل، برای ارائه کار قوی بی‌انگیزه شود.

برای اثرگذاری آموزش و پژوهش علاوه بر توجه به عوامل مؤثر بر آموزش و پژوهش، باید به عوامل ضدآموزش و ضدپژوهش نیز توجه کرد تا نتایج مثبت عملکرد آموزشی و پژوهشی خنثی نشود. در این مسیر، باید نگاه به آموزش و پژوهش به‌عنوان اکوسیستم و نقشه تجربه سفر پژوهشی و آموزشی با نقاط تماس مختلف را راهنمای خود قرار دهیم.

بر عهده پژوهشگران کشور است که ضدآموزش‌ها و ضدپژوهش‌ها را شناسایی کنند تا تأثیر آموزش و پژوهش در کشور نشست نکند و بهره‌وری و سرمایه‌گذاری در آموزش و پژوهش افزایش یابد. نقشه سفر تجربه آموزشی و پژوهشی دانشجویان و پژوهشگران باید به‌صورتی تدوین شود که کل نقاط تماس مسیر آموزش و پژوهش، یادگیری مثبت باشد و در کنار آن، تأثیرات یادگیری مثبت به حداکثر و آثار یادگیری منفی به حداقل برسد. در این مسیر باید همه ذی‌نفعان و بازیگران اصلاح شوند و اکوسیستم محیط آموزش و پژوهش به‌سمت آموزش و پژوهش اثرگذار و مسئولیت‌پذیر در برابر اجتماع فعال شود تا ضد آموزش‌ها و پژوهش‌ها قدرت فعالیت نداشته باشند.

### محسن نظری

سر دبیر مجله مدیریت بازرگانی  
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران